

ریشه‌یابی بحران زنان در غرب با تکیه بر آموزه‌های کتاب مقدس

دکتر سیده مژگان سخایی*

چکیده

امروزه در جهان شاهد بحران‌ها و چالش‌های گوناگون در عرصه‌های مختلف هستیم که بحران زنان یکی از بارزترین این بحرانهاست. از منظر دقیق انسان‌شناسانه بحران‌های انسانی در بیرون، در واقع در درون انسان شکل گرفته است، از این رو بحران‌زدایی نیز باید از درون انسان آغاز شود. از نگاه جامعه‌شناسانه نیز بحران زنان در غرب ناشی از عوامل گوناگونی مانند باورها، آموزش‌های نادرست خانواده و اجتماع است که حل آن نیازمند توجه به سیاست‌ها و برنامه‌های متناسب با نقشه راه مبتنی بر توحید و کرامت انسان می‌باشد. در این مقاله با به کارگیری روش مروری تحلیلی و استنباطی و با رویکردی نقادانه به بررسی و تحلیل بحران زنان در غرب، ریشه‌ها و عوامل شکل‌گیری آن با تکیه بر آموزه‌های کتاب مقدس و پیامدهای آن پرداخته شده است.

واژگان کلیدی

بحران، کتاب مقدس، فمینیسم، بحران‌زدایی، انتقال بحران.

*- استادیار دانشگاه امام صادق علیه السلام

تاریخ دریافت: ۹۰/۵/۴ تاریخ تصویب: ۹۰/۸/۳۰

طرح مسئله

امروزه ما در جهان شاهد بحران‌ها و چالش‌های گوناگون در عرصه‌های مختلف هستیم، که بحران سیاسی و اقتصادی، نظامی و فرهنگی از آن جمله است.

واژه «بحران» در زبان فارسی دارای ترکیبات گوناگونی است و از پربسامدترین واژگان کاربردی ادبیات عامیانه و رسمی می‌باشد، زیرا که در زمینه‌های مختلف شخصی، اجتماعی و زیست محیطی کاربرد فراوان دارد. این واژه دارای معانی گوناگون و مشابهی است که در لغت‌نامه‌های فارسی بیشتر بر معنای پزشکی آن تاکید شده است. در طب قدیم به تغییر ناگهانی حالت بیمار بحران می‌گویند و معمولاً به واژه یوم اضافه می‌گردد (لغت نامه دهخدا، ذیل واژه بحران).

بحران به طور عام و در اصطلاح به معنای «زمانه‌ی آزماییدن» یا «رخداد اضطراری» است. یک وضعیت خطرناک، ناپایدار، حساس و پیچیده می‌باشد. در این مقاله مراد ما از بحران، حالت پیچیده و خطرناکی است که از کنترل خارج شده است. در جامعه غربی بحران انسانی، بسیار مشهود است. انسان‌ها از خود حقیقی و فطری‌شان فاصله گرفته‌اند و این مسئله در زنان بسیار شدیدتر است. در شکل‌گیری یک بحران عوامل گوناگونی دخیل است که به سادگی قابل شناسایی و تحلیل نیست. چند خاستگاهی بودن^۱ بحران

1- multiple origins

زنان قابل تأمل است، به این معنا که این مسئله از ریشه‌ها و زمینه‌های متعددی برخاسته است و از منابع و مصادر متنوعی تغذیه می‌شود. قاعدتاً بررسی هر یک از این زمینه‌ها روش متناسب با موضوع را می‌طلبد.

سؤال اصلی تحقیق پیش رو این است که آیا آموزه‌های کتاب مقدس در شکل‌گیری بحران زن غربی نقش داشته است؟ به بیان دیگر آیا می‌توان برخی از آموزه‌های کتاب مقدس را خاستگاه و یا به تعبیر دیگر ریشه بحران زن غربی قلمداد نمود؟ قبل از پاسخ به سؤالات مطرح شده لازم است اجمالاً به معرفی و اهمیت کتاب مقدس نزد یهودیان و مسیحیان اشاره نماییم:

کتاب مقدس مسیحیان^۱ از دو بخش عمده عهد عتیق^۲ و عهد جدید^۳ تشکیل شده است. عهد عتیق مجموعه‌ای از کتب مقدس یهودیان است. نام عهد عتیق را مسیحیان بر این کتب نهادند تا اشاره‌ای باشد به پیمان و میثاق کهنی که خدا با بنی اسرائیل بست. عهد عتیق شامل پنج سفر تورات، نبییم (انبیاء) و کتوبیم (نوشته‌ها) است که در مجموع سی و نه کتاب می‌شود. عهد جدید مجموعه کتب مقدس مسیحیان است. از نظر ایشان این کتب دلالت دارد به عهد و میثاق جدید خداوند که این بار نه تنها با قوم بنی اسرائیل بلکه با تمام بشریت است. مسیحیان تمام کتب مقدس یهود را معتبر می‌شمارند و آن را از جانب خداوند می‌دانند. کلیسای کاتولیک علاوه بر سی و نه کتاب

1- The Bible

2- Old Testament

3- New Testamen

عهد عتیق به نه کتاب دیگر نیز قائل است، این در حالی است که پروتستان‌ها این نه کتاب را اپاکریفا یا کتب غیررسمی می‌نامند. عهد جدید از بیست و هفت کتاب تشکیل شده است که شامل اناجیل اربعه، کتاب اعمال رسولان، رسالات و مکاشفه یوحنا می‌باشد. از نظر مسیحیان پیام نجات بخش خدا تنها از طریق کتاب مقدس آشکار می‌شود. کتاب مقدس از منابع اصلی کلام مسیحی است و از جایگاه والایی نزد ایشان برخوردار است.

بحران در انسان

اگر با نگاه انسان شناسانه‌ای که مبتنی بر توحید است به بحران‌های انسان بنگریم، بحران‌های انسان در بیرون، در واقع در درون وی شکل گرفته است و آنچه در عالم خارج به نسبت او اتفاق می‌افتد بروز و نمایش آن چیزی است که در درون او رخ داده است. به این معنا که عوامل گوناگون موجب شده است که انسان از فطرت خویش که موهبتی الهی و بر شاکله‌ی توحیدی است فاصله بگیرد و این فاصله او را می‌آزارد و ناآرام می‌کند. هر اندازه این فاصله بیشتر شود ناآرامی وی و به تعبیر دیگر بحران درونی وی فزونی می‌یابد. تا حدی که ممکن است عصیان‌گری کند. البته ممکن است به بحران انسان از منظر جامعه‌شناختی نیز بنگریم در این صورت مجموعه‌ای از عوامل را در بیرون از انسان مورد بررسی قرار می‌دهیم که برای او بحران‌سازی کرده‌اند و اوضاع او را مشتت نموده‌اند. به نظر می‌رسد که این دو نگاه را باید در کنار هم داشت. یعنی هم به عوامل بیرونی توجه داشت و هم به آنچه

در درون انسان گذشته است.

انسان بحران‌زده مسموم است، چرا که از خود الهی‌اش فاصله گرفته و آرامش خود را از دست داده است. از سوی دیگر این سم مسری است چرا که انسان‌ها در تعامل با یکدیگرند و برای فرار از بحران درونی‌اشان این سم را به دیگران نیز سرایت می‌دهند و با دیدن بحران در دیگران گویی خود را آرام می‌کنند.

از این منظر آنچه که در غرب پس از جنبش فمینیسم شکل گرفته است دامن زدن به بحرانی است که پیش‌تر آغاز شده بود. در واقع این جنبش نمود بحرانی است که پیش از آن در درون زنان غربی شکل گرفته است.

عوامل گوناگونی که موجب شکل‌گیری بحران در انسان می‌شود:

۱- دسته‌ای از این عوامل به باورها و آموزش‌های نادرست که با فطرت انسان ناسازگار است برمی‌گردد.

۲- دسته دیگر از این عوامل به خانواده و رفتار والدین مرتبط است.

۳- مجموع دیگری از این عوامل زائیده روابط اجتماعی و احکام رایج در اجتماع است.

در این مقاله ما در صدد آن هستیم که بحران زن امروزی در جوامع غربی را با تکیه بر آموزه‌های کتاب مقدس مورد بررسی قرار دهیم.

۱- خاستگاه بحران زن غربی

۱-۱- باورها و آموزش‌های نادرست

مطالبی در کتاب مقدس وجود دارد که جایگاه دست دومی زن نسبت به مرد را در آفرینش نشان می‌دهد، برای مثال در آیه ۱۸ باب دوم کتاب پیدایش از کتاب مقدس آمده است خداوند گفت: «خوب نیست که آدم تنها باشد. پس برایش معاونی موافق وی بسازم». و در ادامه در آیات ۲۱ تا ۲۳ از همین باب، می‌گوید: «و خداوند خدا، خوابی گران بر آدم مستولی گردانید تا بخفت و یکی از دنده‌هایش را گرفت و گوشت در جایش پر کرد. و خداوند خدا آن دنده را که از آدم گرفته بود، زنی بنا کرد و وی را به نزد آدم آورد» و آدم گفت: «همانا این است استخوانی از استخوان‌هایم و گوشتی از گوشتم، از این سبب "نسا" نامیده شود زیرا که از انسان گرفته شد».

قوانینی در کتاب مقدس وجود دارد که جایگاه فرعی زن را در جامعه یهودی و مسیحی نشان می‌دهد، برای نمونه مرد می‌تواند دخترش را به ازاء قرضش بفروشد (سفر خروج، ۲۱: ۷) اما اجازه ندارد او را وادار به فحشاء کند (سفر لاویان، ۱۹: ۲۹). نقش زنان در عبادات رسمی نیز محدودتر از مردان است (سفر خروج ۳۳: ۲۲-۲۹: ۳۸: ۸).

در بخش‌هایی دیگر از کتاب مقدس با تعابیر تحقیرآمیزی از زن یاد می‌شود که با کرامت خدادادی انسان ناسازگار است. برای نمونه در سفر خروج (۲۲: ۱۷) و ساموئل (۲۸: ۳) آمده است که معمولاً زنان اهل جادو و

سحرند. در جای دیگر آمده است: مقام زن از شوهر پایین تر است و مرد بر زن حکم‌رانی می‌کند^۱ (سفر پیدایش، ۳: ۶).

از جمله ادعیه‌ای که مرد یهودی هر روز می‌خواند این است: خدا را شکر که زن آفریده نشده‌ام (Men. 43 b). به زنان یهودی دستور خواندن تورات داده نشده است. زنان با آموزش تورات به پسرانشان و تشویق شوهرانشان می‌توانند این خلأ را جبران کنند (Ber. 16a).

در بیان دلیل اینکه چرا خداوند زن را از دنده آدم آفرید در سفر پیدایش چنین آمده است: خدا گفت من حوا را از سر آدم نمی‌آفرینم تا سرش را از سر غرور بالا نگیرد و از چشم آدم وی را نمی‌آفرینم تا عشوهرگر نباشد و از گوش او حوا را نمی‌آفرینم تا استراق سمع نکند و از دهانش نمی‌آفرینم تا پرحرف نشود و از قلبش او را نمی‌آفرینم تا حسود نباشد و از دستش نمی‌آفرینم تا طلبکار نباشد و از پای او نمی‌آفرینم تا ولگرد نباشد، بلکه وی را از بخشی از بدن آدم می‌آفرینم که پنهان باشد تا او با حیاء باشد (آفرینش ۱۸: ۲).

۱- ممکن است برخی فکر کنند که این آیه شبیه آیه «الرجال قوامون على النساء» در قرآن کریم است. باید گفت که روح حاکم بر آموزه‌های کتاب مقدس بر جایگاه فرعی و ثانوی زن دلالت می‌کند و این نگاه تنها از این آیه خاص گرفته نمی‌شود، چنانکه در متن مقاله به مواردی از آموزه‌های کتاب مقدس که این نگاه را نشان می‌دهد اشاره شده است: به همین صورت روح حاکم بر قرآن کریم بر جایگاه کریمانه انسان اعم از زن یا مرد دلالت می‌کند و آیات بسیاری در قرآن کریم موید این مسئله است، برای نمونه سوره نساء آیه «یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحد...» منظور از نفس واحده در این آیه کریمه گوهر و واقعیت عینی شی است یعنی همه انسانها چه زن یا مرد از یک ذات و گوهر خلق شده‌اند.

در حیات دینی یهود، نقش زنان به طور کاملاً محسوسی کم‌رنگ‌تر از مردان است. در دین یهود دستورات دینی^۱ که برای مردان در نظر گرفته شده بیش از زنان است و از این رو از نظر ایشان مردان شایستگی بیشتری دارند زیرا دستورات دینی بیشتری برای ایشان در نظر گرفته شده است (Telushkin 1997, P.403).

به طور کلی در دین یهود دستورات دینی که به انسان اختصاص داده می‌شود برای او برتری و امتیاز می‌آورد و هراندازه فرد دستورات دینی بیشتری داشته باشد امتیاز بیشتری دارد. انجام برخی دستورات دینی از زنان خواسته نشده است مثلاً رهبری برخی مراسم دینی و یا قرائت جمعی تورات. اکثر سیناگوگ‌های^۲ ارتدوکس اجازه نمی‌دهند که زنان مراسم سنتی همخوانی و قرائت تورات^۳ را بعد یا بین مراسم دینی انجام دهند. هر چند زن می‌تواند داوطلبانه تورات را بخواند اما چون برای او تکلیف نیست، امتیاز خاصی را که برای مردان به همراه دارد برای ایشان ندارد. از این رو چنانچه پیشتر ذکر شد مردان یهودی دعا می‌کنند خدایا شکر که ما را زن نیافریدی (Cf. Pamela, 1993, 180-188).

طبیعی است که زنان یهودی و مسیحی که از کودکی با این دسته از آموزه‌های کتاب مقدس روبه رو می‌شوند در درون خود احساس نوعی

1- Mitzvoth

2- Synagogue

3- Dvar Torah

حقارت کنند و جایگاه وجودیشان در مقابل مردان پایین‌تر و پست‌تر است و طبیعی است که این نوع آموزه‌ها در روابط خانوادگی و اجتماعی تأثیر قابل توجهی داشته و موجب شود که مردان زنان را - نه مانند یک انسان که کرامت خدادادی دارد و می‌تواند در مسیر رشد و کمال مانند مردان سیر داشته باشد بلکه - به عنوان موجودی که خداوند او را پایین‌تر قرار داده است و در مواقعی او را محروم کرده است لحاظ کنند و باز طبیعی است که زنان در چنین فضایی بحران زده باشند و این بحران را به صورت‌های گوناگون و در شکل حرکت‌ها و جنبش‌های اجتماعی مانند جنبش فمینیسم نشان دهند. در تلمود که از منابع دینی معتبر یهودیان است از شخصیتی مؤنث به نام لیلیت^۱ نام برده می‌شود. او یک شخصیت منفی و شرّ است. او یک شیطان مؤنث است که مردان را اغوا می‌کند و نوزادان و زنان را در هنگام زایمان تهدید می‌کند و می‌ترساند. گفته می‌شود که او بال و موهای بلند دارد (Erub. 155b, Nid 24 b).

همچنین گفته می‌شود که او مردانی را که تنها در خانه بخوابند اذیت می‌کند (Shab. 151b). همچنین در متون قبلائی^۲ و مدراشی^۳ از او به عنوان مادر شیطان یاد شده است. احتمالاً شخصیت او براساس شیطان کافری که

1- Lilith

2- Kabbalistic

3- Midrashim

لولو^۱ یا لی لو^۲ نامیده می شود و در گیلگمش^۳ و فولکلورهای بابلی و سوری دیگر از آن نام برده می شود شکل گرفته است.

در سالهای اخیر تعدادی از زنان یهودی سعی نمودند شخصیت لیلیت را بازسازی کنند و او را به عنوان یک مدل که تسلط مردان را نمی پذیرد معرفی کنند و همچنین از او یک الهه مبارز بسازند که با سنت هایی که از نظر ایشان بسیار مردانه است می ستیزد. امروزه فمینیست ها شخصیت منفی لیلیت را انکار می کنند و می گویند او یک قهرمان بود که با قدرت طلبی ربی های یهودی که نمی خواهند زنان هیچ قدرت جنسیتی داشته باشند به شیطان مبدل گشت، قابل توجه است که عده ای از سردمداران فمینیسم از جمله گلوریا استینم^۴ و بتی فریدان^۵ یهودی هستند ((Robert Graves and Raphael Pata, 1964, pp 65-69).

نکات منفی بسیاری در تلمود درباره زنان آمده است مثلاً بسیاری از ربی ها زنان را تنبل، بی فایده، اهل غیبت و ... می دانند (cf. Hauptman, Judith, 2001, 1356-1359).

به همین صورت در متون عهد جدید، مطالبی دیده می شود که بیانگر جایگاه فرعی و دست دومی زن در آفرینش، خانواده و اجتماع است.

1- Lulu

2- Lilu

3- Gilgamash

4- Gloria Steinem

5- Betty Friedan

همچنین در این متون احکام شرعی‌ای دیده می‌شود که مبتنی بر همین نگاه انسان‌شناسانه نادرست است به گونه‌ای که در برخی از این گزاره‌ها کرامت انسانی زن صراحتاً نادیده انگاشته شده است. برای نمونه: «اما می‌خواهم شما بدانید که سر هر مرد مسیح است و سر زن مرد» (رساله پولس، اول قرن‌تین، ۱۱:۳)؛ «همچنان که کلیسا مطیع مسیح است، زنان شوهران خود را در هر امر باید مطیع باشند» (رساله پولس، افسسیان ۵: ۲۲).

«و نیز مرد به جهت زن آفریده نشده بلکه زن برای مرد» (قرن‌تین ۱۱: ۹)؛ «و زن را اجازت نمی‌دهم که تعلیم دهد. بلکه در سکوت بماند زیرا که آدم اول ساخته شد و بعد حوا و آدم فریب نخورد بلکه زن فریب خورد» (همان). احکام مشابه دیگری با همین رویکرد در تورات نیز دیده می‌شود: «زن پس از دو بار طلاق ناپاک می‌شود» (تثنیه ۲۴: ۴) «و اگر زنی جریان دارد و جریانی که در بدنش است خون است، هفت روز در حیض خود بماند و هر که او را لمس کند تا شب نجس است و بر هر چیزی که در حیض خود بخوابد نجس باشد و بر هر چیزی که بنشیند نجس باشد و هر که بستر او را لمس کند رخت خود را بشوید و با آب غسل کند و تا شب نجس باشد» (لاویان، ۱۱: ۱۹).

با دقت در مواضع و نظریات فمینیست‌ها نقش این آموزه‌ها در شکل گرفتن و ظهور بحران زن غربی روشن می‌شود. سیمون دوبوار^۱ فرانسوی

1- Simone De Beauvoir

از سردمداران فمینیسم، کتابی دارد به نام «جنس دوم»^۱ که در سال ۱۹۴۹ در دو جلد منتشر شد. این کتاب بعدها به انگلیسی ترجمه شد و در سال ۱۹۵۳ به آمریکایی‌ها معرفی شد (kassian, 2005, 18-19). توجه به نام کتاب خود بیانگر این باور نادرست نسبت به زن است که برخاسته از آموزه‌های کتاب مقدس می‌باشد و به خانواده و اجتماع غربی نیز نفوذ کرده است. از نظر دوبوار زنان جایگاه دست دومی در عالم دارند چرا که همیشه زن با مرد سنجیده می‌شود و هیچ‌گاه مرد را با زن نمی‌سنجند. عالم متعلق به مردان و به تعبیر دیگر عالم مردان است (cf. Debeauvoir, 1952).

دوبوار این تفکر مبنایی نادرست که ناشی از نگاه نادرست به انسان و عالم است و در غفلت از خدا پیچیده شده است را با اصطلاحات اگزستانسیالیستی توضیح می‌داد: زنان موجودات مستقلی هستند که می‌خواهند تعالی بگیرند اما مردان مخالفند (Ibid). دوبوار در یک مدل سوسیالیستی بر جدایی زن از نقش مادری و همسری تأکید کرد و استقلال اقتصادی و برابری با مردان را مطرح کرد (kassian, 2005, 22).

بتی فریدان روزنامه‌نگار آمریکایی که یکی دیگر از سردمداران فمینیسم است بر سندرم^۲ (نوعی بیماری) زنان تأکید کرد و گفت کاردر خانه یک سندرم است که زنان را از محیط بیرون جدا می‌کند و زنان از آن احساس

1- Le Deuxieme sexe (second sex)

2- Syndrome

ناخرسندی دارند وی مشکل زنان را «مشکل بدون نام»^۱ نامید. در دهه ۶۰ نویسنده فمینیسم به نام «کیت ملیت»^۲ از اصطلاح حکومت پدری^۳ (مردسالاری) برای بیان «مشکل بدون نام» فریدان استفاده نمود. حکومت پدری یعنی غلبه و حکومت مردان و ضعف و زبونی زنان. فمینیست‌ها حکومت پدری را دلیل اصلی نارضایتی زنان دانستند (Ibid, pp- 29-30). با توجه به مواردی که ذکر شد می‌توان چنین نتیجه گرفت که برخی از آموزه‌های کتاب مقدس عبری و مسیحیان، یکی از خاستگاه‌های بحران زنان در غرب است اما نکته جالب این جاست که فمینیست‌ها پس از طی مراحل به دنبال آن بودند که تأییدات کتاب مقدس را برای مبانی فکری جنبش به دست آورند. از این رو نویسندگان فمینیسم بر آن شدند تا این هدف را تأمین کنند،^۴ برای نمونه «سایوینگ گلداستین»^۵ مطالبی در این راستا منتشر کرد. او مباحث الهیات در مورد هویت جنسی هر فرد را مرتبط با نظرات کلامی‌اش می‌دانست. یعنی تفسیر هر فرد از کتاب مقدس بستگی به جنبش دارد. چرا فمینیست‌ها به دنبال توجیه و تأیید نظرات خود در کتاب مقدس بودند؟! روشن است، یکی از اصلی‌ترین دلایل آن عوام فریبی و دلیل دیگر

1- a problem with no name

2- kate millet

3-patriarchy

۴- «فیورنزا» معتقد است برای اینکه واقعاً آزادی زنان در کلیسا تضمین شود لازم است واقعیت‌سازی اخلاقی از داستان‌های کتاب مقدس صورت پذیرد. هدف از این کار آن بود که داستان‌های کتاب مقدس از دیدگاه فمینیستی بازگویی شوند (فیورنزا: ۵۳-۵۰).

5- Saiving Gold stein

آن عمومی سازی نظرات شان است. اگر خوب به حرکت های فمینیسم توجه شود روشن می گردد که این جنبش از بدو تولد تا امروز به صورت های گوناگون به دنبال فاصله گرفتن زنان از خود حقیقی شان بوده است. زمانی که زن خود را گم کند، در حقیقت نقش خود در جامعه و خانواده را گم می کند؛ در نتیجه شالوده جامعه سست می شود. در اینجاست که قدرت های سودجو و منفعت طلب به ویژه صهیونیسم در صدد ترویج و تقویت این نوع تفکرات که خود در حقیقت به نوعی مبدع آن است برمی آید. پیوستگی و درهم تنیدگی تفکرات فمینیستی با فردگرایی^۱، انسان گرایی^۲، لیبرالیسم^۳، سکولاریزم^۴ و ... خود مؤید این ادعا است.

۲-۱- خانواده و رفتار والدین

در تمام ادیان الهی ازدواج امری مقدس است. حفظ حقوق و احترام به جایگاه کریمانه شریک زندگی از عناصر کلیدی جهت قوام بخشیدن به کیان خانواده است. حفظ پاکدامنی و وفاداری زوجین از علل تداوم ازدواج است. در شرایطی که فساد در جامعه شایع شده و والدین وفاداری لازم به یکدیگر را ندارند فرزندان دچار بحران می شوند و این بحران در

-
- 1- Individualism
 - 2- Humanism
 - 3- Liberalism
 - 4- Secularism

دختران که حساس‌ترند بیشتر خود را نشان می‌دهد. دکتر مکو^۱ در مقاله «فمینیسم زنان را از مهر پدری محروم می‌کند» می‌گوید: «اکثر زنانی که در دوران کودکی از عشق کافی پدران خویش محروم بوده‌اند، در آینده دارای شخصیت متزلزلی خواهند بود و به مردان اعتماد نخواهند داشت و فکر می‌کنند باید افراد مستقلی باشند. ایشان نمی‌توانند از لحاظ جنسی واکنشی مناسب داشته باشند و در بسیاری از موارد زندگی مشترکشان به طلاق ختم می‌شود» (www.henrymakow.co). همچنین وی می‌گوید:

رهبران موج دوم فمینیسم محصول خانه‌های فرو پاشیده هستند (همان).
ناگفته نماند زمانی که زوجین قدر یکدیگر را به عنوان انسان ندانسته و حقوق انسانی یکدیگر را نادیده بیانگارند شالوده خانواده سست خواهد شد.
به طور کلی می‌توان گفت حیات دینی زن غربی که مبتنی بر کتاب مقدس است شکل دهنده جنبش‌ها و مواضع خانوادگی و اجتماعی اوست.
برای نمونه در دین یهود زن حق طلاق ندارد و مرد به مجرد این که از زنش ناراضی باشد می‌تواند او را رها سازد. پیوند زناشویی به مجرد نیت مرد قابل گسست است و نیازی به اثبات و ابراز نیست و در دین مسیحی برای هیچ یک از زن و مرد حق طلاق نیست و ازدواج به عنوان عقد غیرقابل انحلال

1- Henry Makow

هنری مکو در ۱۲ نوامبر ۱۹۴۹ در شهر زوریخ سوئیس به دنیا آمد. وی یک نظریه پرداز و مقاله‌نویس است. در کودکی همراه خانواده خود به کانادا رفت و در اوتاوا ساکن شد. در ۱۹۸۲ دکترای خود در ادبیات انگلیسی از دانشگاه تورنتو دریافت نمود. او فمینیسم را تلاشی بی ثبات کردن جامعه می‌داند.

شناخته می‌شود. این مسأله عامل مشکلات عدیده‌ای شد. در گذشته در صورتی که زن و شوهر نمی‌توانستند با یکدیگر زندگی کنند در خانه‌ای جدا زندگی می‌کردند. از انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۷۸۹ طلاق، به طور قانونی، نه دینی در قانون مدنی فرانسه و سپس سایر کشورهای اروپایی راه یافت. طلاق‌نامه، در یهود «گت» نامیده می‌شود که شوهر آن را به دست زن می‌دهد و با تسلیم آن طلاق محقق می‌شود. در دین یهود اختیارات مردان بسیار وسیع است و مرد به راحتی می‌تواند زن خود را طلاق دهد (دورانت، ج ۱۲، ۱۳۴۳، ص ۳۰). در دین یهود اگر زنی رفتار ناشایستی داشت شوهر حق دارد بدون پرداخت مهریه «کتوبایی» او را طلاق دهد (جلیلی ۱۳۸۳: ۱۱۳). وجود این تساهل برای مردان در طلاق ایجاد یک بحران خانوادگی می‌کند، زن در خانواده احساس امنیت نمی‌کند و دختران که شاهد این مسئله هستند از آینده خود می‌هراسند. این بحران بعدها خود را به صورت حرکت‌های فمینیستی نشان داده است. اظهار نظرات برخی از رهبران دینی یهودی و مسیحی این ادعا را ثابت می‌کند:

ربی الیعذر^۱ از رهبران دینی یهود در این ارتباط می‌گوید: بهتر است کلمات تورات سوزانده شود تا اینکه به زنان تعلیم داده شود... هرکسی به دخترش تورات بیاموزد مانند این است که او را وقیح کرده باشد.

قدیس ترتولیان^۲ از رهبران دینی مسیحی می‌گوید: آیا شما زنان نمی‌دانید که

1- Rabbi Eliezer

2- St. Tertullian

هریک از شما یک حوا هستید... شما دروازه شیطان هستید. شما درخت ممنوعه را آزاد کردید. شما بودید که اولین بار نسبت به قانون الهی ناسپاسی کردید. شما بودید که آدم را تحریک کردید در حالی که شیطان قدرت کافی برای انجام این کار نداشت. شما به آسانی صورت خدا، آدم، را از بین بردید. به خاطر شما بود که پسر خدا مصلوب شد.

قدیس آگوستین^۱: زنان هر چقدر بکوشند حتی اگر بمیرند مهم نیست. اجازه دهید ایشان در کودکی بمیرند. زن چه همسر باشد یا مادر، یک حوا است و ما باید در رابطه با ایشان مراقب باشیم.

توماس آکوئیناس^۲: در ارتباط با طبیعت زنان باید گفت که زن ناقص و حرامزاده است ... (WWW.n64obeliefs.com/DarkBible/darkbible7.htm).

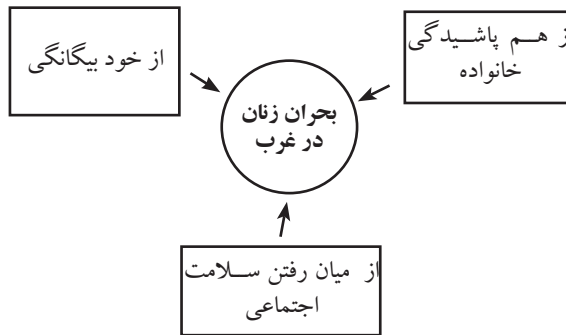
۳-۱- روابط اجتماعی، باورها، فلسفه‌ها و احکام رایج در اجتماع

بیان شد که برخی از آموزه‌های کتاب مقدس نگرش دست دومی و تحقیرآمیز به زن در خانواده و اجتماع را شکل می‌دهد. برتراند راسل دیدگاه کلیسای کاتولیک درباره زن را چنین بیان می‌کند: «زن به صورت دروازه جهنم و ام‌الفساد جلوه کرد، لذا باید از فکر زن بودن خویش شرم‌منده باشد و به خاطر لعنتی که به این جهان آورده، مدام باید در توبه و نوحه به سر برد و از لباس خود شرم‌منده باشد زیرا یادگار سقوط اوست. از زیبایی خویش

1- St. Augustine of Hippo

2- St. Thomas Aquinas

هم باید شرمنده باشد زیرا قوی‌ترین ابزار شیطان است» (راسل، ۱۴۶). زن عامل فساد مرد و هبوط آدم تلقی می‌شود و آفرینش او، اصالت ندارد. این مسئله بحران‌ساز است و در روابط اجتماعی و شکل‌گیری اندیشه‌های فلسفی بسیار تأثیرگذار است. این نگرش باعث شده بود زن در حاشیه زندگی خانوادگی و اجتماعی قرار گیرد. در یونان، چند دهه پیش، اقامه دعوی زنان در محکمه ممکن نبود (تاجور؛ پورطهماسبی ۴۸۰) طبق قانونی که در سال ۱۸۵۰ به تصویب مجلس ملی انگلستان رسید زنان جزء شهروندان و اتباع کشور محسوب نمی‌شدند، آنها حتی از مالکیت بر تن‌پوش‌های خود محروم بودند (همان). این نگاه فرعی و دست‌دومی به زن در شکل‌گیری مکاتب فلسفی غربی مانند اومانیسم، لیبرالیسم، فردگرایی و مکاتب اجتماعی مانند فمینیسم تأثیرگذار بود و پیروی از این مکاتب هم به نوبه خود بر شدت بحران زن غربی افزود.



۲) برخی پیامدهای بحران

به دنبال این بحران‌زدگی، آسیب‌های بسیاری بر زن، خانواده، اجتماع و

جهان وارد گشت. برای نمونه از سال ۱۹۶۰ تاکنون در آمریکا نرخ طلاق صد برابر گشت. نرخ ازدواج برای افراد بین ۱۵ تا ۴۴ سال، ۴۱ درصد کاهش داشته است. در سال ۱۹۶۰ زندگی مشترک بدون ازدواج شرعی «زندگی در گناه» نامیده می‌شد اما امروزه ۴۱ درصد از زنان آمریکایی بین ۱۵ تا ۴۴ سال به صورت نامشروع با همسرانشان زندگی می‌کنند. اداره سرشماری آمریکا گزارش می‌دهد تعداد خانواده‌های نامشروع بین سال‌های ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۰ هزار درصد افزایش یافته است. از سال ۱۹۶۰ تا سال ۲۰۰۰ درصد تولدهای نامشروع از ۵/۳ درصد به ۳۳ درصد افزایش یافته است (یعنی افزایش ۵۲۳ درصدی) (kassian, 2005, p8).

آسیب‌های ناشی از این بحران را می‌توان به چند دسته تقسیم نمود:

- الف) آسیب‌های فردی
- ب) آسیب‌های خانوادگی
- ج) آسیب‌های اجتماعی
- د) آسیب‌های جهانی

۱-۲- آسیب‌های فردی

بحران هویت در انسان با فاصله گرفتن از خود الهیاش شکل می‌گیرد. دوری از خویشتن الهی خویش، فراموشی و نادیده انگاشتن کرامت ذاتی انسان، مبنای مشکلات و آسیب‌های دیگر است؛ زن غربی با فاصله گرفتن از آموزه‌های توحیدی و نشناختن قدر خویش و فاصله گرفتن از فضای امن

خانواده بر این بحران دامن زده است. از دست دادن پاکدامنی و وفاداری نسبت به خانواده از جمله ثمرات سوء این بحران است. امروزه فقدان حیا و پاکدامنی در میان زنان و دختران جوان غربی موجب اعتراض دسته‌ای از محققان و نویسندگان آمریکایی شده است. وندی شلیت^۱ در کتاب بازگشت به پاکدامنی بیان می‌دارد: فمینیسم یک شورش است که حیا و پاکدامنی زنان را مورد حمله قرار می‌دهد (سخایی ۱۳۸۸، ۲۰؛ Shalit, 2000).

بحران هویت در تمام گرایش‌های فمینیستی اعم از فمینیست‌های محافظه‌کار^۲، لیبرال^۳، مارکسیست^۴، اگزیستانسیالیست^۵، رادیکال^۶، سوسیال^۷، مادرسالار^۸، اکوفمینیست^۹، پست‌مدرن^{۱۰} دیده می‌شود. بحران هویت زنان آسیب‌های جدی به مردان نیز وارد نموده است. امروزه برای بسیاری از نظریه پردازان فمینیست مفهوم زن یک معضل است و این مفهوم را نمی‌توانند به دقت تعریف و تعیین کنند (Alcoff, 1988:405).

-
- 1- wendy Shalit
 - 2- Conservative
 - 3- Liberal
 - 4- marxist
 - 5- Existentialist
 - 6- Radical
 - 7- Social
 - 8- Matriarchal
 - 9- Eco-feminist
 - 10- Post-modern

۲-۲- آسیب‌های خانوادگی

زمانی که زن از خود حقیقی‌اش فاصله گرفت و بحران هویت پیدا کرد، خانواده او اولین هسته‌ای است که در اثر بحران هویت او، بحران‌زده می‌شود. فمینیست‌ها به اسم دفاع از حقوق زن روابط جنسی آزاد را تبلیغ می‌کنند، هم‌جنس‌گرایی را ترویج می‌دهند و زنان و دختران را از ازدواج و ایفای نقش مادری برحذر می‌دارند. اینها همه پیکان‌های زهرآلودی است که شالوده خانواده را از هم می‌پاشد، خانواده را مسموم می‌کند و به تبع آن اجتماع مسموم می‌شود. این همان انتقال بحران است. فمینیسم پیوسته سعی نموده است خطر روابط جنسی آزاد برای زنان را انکار کند (Fox- Genovese, 1996, 145).

شکل‌گیری جنبش‌ها و سازمان‌های متعدد در امریکا و کانادا علیه مواضع فمینیستی و اثرات آن به ویژه فحشاء، هم‌جنس‌گرایی و پورنوگرافی قابل توجه است (سخایی، ۱۳۸۸: ۲۱).

۲-۳- آسیب‌های اجتماعی

نتایج بی‌میلی به تشکیل خانواده، بالا رفتن آمار طلاق، بالا رفتن نرخ فرزندان تک‌والدینی، رشد فحشاء و ... و در نهایت به هم ریختن تعادل در اجتماع است. بحران در درون انسان نمی‌ماند. انسان بحران‌زده خانواده و اجتماع را نیز بحران‌زده می‌کند. اکنون طلاق و بر هم زدن نظام خانواده یک رویداد بی‌اهمیت و معمولی در فرهنگ غربی شده است

(L.Lukas, 2006: 92).

اگر در نظام اجتماعی انسان‌ها، روابط براساس نحوه آفرینش ایشان باشد، اجتماعی سالم شکل خواهد گرفت والا اجتماع بحران‌زده می‌شود. زمانی که زن از مدار فطری خود خارج شود، لطمه به تمام روابط و ضوابط اجتماعی خواهد زد.

۴-۲- آسیب‌های جهانی

جهانی شدن^۱ و یا دهکده جهانی^۲ از تعبیری است که امروزه بسیار به کار می‌رود. اینکه این مفهوم از کی و چگونه آغاز شد آنقدر اهمیت ندارد اما آنچه بسیار اهمیت دارد اهداف پنهان و پیدای این طرح و انجام آن است. جهانی‌سازی در عرصه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، علمی و ... تأثیرگذار است. در حقیقت جهانی شدن به یک معنا توسعه وابستگی متقابل^۳ و ارتباط میان ملل در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است (طاهرخانی، ۱۳۸۳: ۳۸-۲۰). تجارت الکترونیکی، آگاهی‌های هم‌زمان، توسعه رسانه‌ها و وسایل ارتباط، کاهش نفوذ دولت‌های مرکزی و ... از ویژگی‌های عمومی جهانی‌سازی است (همان). روند جهانی‌سازی در حوزه فرهنگی به سوی همگانی شدن^۴ می‌رود.

-
- 1- Globalization
 - 2- Global Village
 - 3- Interaction
 - 4- Universalization

از این رو موج این بحران در حوزه خود زنان غربی و خانواده و جامعه و شهر و کشور ایشان نمی‌ماند و به کشورهای دیگر منتقل می‌شود. می‌توان گفت یکی از اهداف جهانی‌سازی انتقال بحران به حوزه‌های مختلف است. یقیناً قدرت‌های فتنه‌گر جهانی در صورتی که اندیشه‌ها را به هم نزدیک کنند بهتر می‌توانند سیاست‌های باطل خود را تحقق بخشند. انتقال بحران راهکار مؤثری برای پیاده‌سازی اهداف منفی سلطه‌گران است.

۳- بحران زدایی

۳-۱- برگشت به فطرت

انتقال بحران یکی از روش‌هایی است که سلطه‌گران بین‌المللی با استفاده از آن سعی دارند نیروهای انسانی جوامع مختلف را تحت سیطره خود درآورند، فکر و اندیشه ایشان را کنترل کنند و از منابع انسانی و مادی آن جوامع بهره‌برند. انسان با اراده خود و برگشت به فطرت خویش می‌تواند راه را آن‌چنان برود که خدا می‌خواهد. نیروی قاهر و حاکم بر عالم خداوند است، اگر انسان این مسئله را دریابد و در درون خود تغییر ایجاد کند^۱ و به سمت عبودیت حق حرکت کند، مورد حمایت پروردگار قرار خواهد گرفت. از منظر جامعه‌شناسانه باید شرایط آگاهی را فراهم نمود. آموزش زنان بر مبنای توحید و انسان‌شناسی موحدانه و تبلیغات و اطلاع‌رسانی در این راستا می‌تواند بسیار مؤثر باشد. جهانی‌سازی راه‌کار قدرت‌های سلطه‌گر

۱- انّ الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم (سوره مبارکه رعد: ۱۱)

است اما رب‌العالمین خداست و عالم منقاد اوست. انسان با اراده و توکل بر خدا می‌تواند بر نیروی اهریمن مسلط شود. هدف‌شناسی، راه‌شناسی، راهبرشناسی و دشمن‌شناسی از خصوصیات لازم جهت داشتن نقشه راه موفق و مطمئن است.

نتیجه‌گیری

در جامعه غربی بحران انسانی غوغا می‌کند چرا که انسان‌ها از خود حقیقی و فطری‌شان بسیار فاصله گرفته‌اند و این مسئله در زنان بسیار مشهود است. عوامل گوناگونی از جمله آموزش‌های نادرست، خانواده و اجتماع موجب شکل‌گیری بحران در انسان می‌شود. در جامعه غربی حیات اجتماعی زنان بسیار متأثر از عقاید و باورهای دینی ایشان است و کتاب مقدس نقش کلیدی در شکل‌گیری عقاید دینی یهودیان و مسیحیان ایفا می‌کند.

برخی آموزه‌های کتاب مقدس که بیانگر جایگاه ثانوی زن در آفرینش، خانواده و اجتماع است در ایجاد و استمرار بحران در زنان غربی بسیار موثر است. این آموزه‌ها که بر خلاف فطرت انسانی است و با انسان‌شناسی توحیدی بسیار فاصله دارد ضمن اینکه در درون زنان تشمت خاطر ایجاد می‌کند و به بحران درونی ایشان منجر می‌شود در روابط خانوادگی و اجتماعی ایشان نیز مؤثر است. چرا که بر اساس این آموزه‌ها زنان خود را حقیر می‌بینند و در خانواده و اجتماع احساس امنیت و عزت نمی‌کنند. از این رو عصیان می‌کنند. از منظر جامعه‌شناسانه (نگاه بیرونی) مجموع این عوامل

موجب بحران در انسان می‌شود. انسان بحران‌زده مسموم است و برای فرار از بحران درونی‌اش این سم را به دیگران سرایت می‌دهد. انتقال بحران یکی از روش‌هایی است که سلطه‌گران بین‌المللی با استفاده از آن به دنبال تحت سیطره درآوردن نیروهای انسانی جوامع گوناگون می‌باشند. جهانی‌سازی، راه‌کار انتقال بحران است. از این منظر جنبش فمینیسم نمود بحرانی است که در درون زنان غربی گرفته است و مستکبران با ارتباطات جهانی در صدد انتقال این بحران به عالمند. هر اتفاقی که در عالم رخ دهد پیامدها و نتایجی را با خود به ارمغان می‌آورد. از خودبیگانگی، از هم‌پاشیدگی خانواده، از میان رفتن سلامت اجتماعی و ... از جمله آسیب‌ها و پیامدهای بحران زن غربی است. از منظر انسان‌شناسانه توحیدی انسان با اراده خود و برگشت به فطرت خویش و با داشتن نقشه راه مطمئن می‌تواند در رفع و دفع این بحران نقش‌آفرینی کند و از منظر جامعه‌شناسانه لازم است سیاست‌ها و برنامه‌های متناسب با این نقشه راه تعریف شود و در برنامه سالانه بگنجد و به راهبردها و راهکارهای مناسب جهت عملیاتی شدن آن سیاست‌ها توسط دستگاه‌های ذیربط و همچنین به سیستم پایش و نظارت جهت بهبود روند اجرایی شدن سیاست‌ها و برنامه‌ها توجه شود.

منابع:

- ◀ قرآن کریم
- ◀ کتاب مقدس
- ◀ جلیلی، محمدرضا ۱۳۸۳. جایگاه زن در خانواده و اجتماع در اسلام و یهودیت، دستان.
- ◀ تاجور، آذر؛ پورطهماسبی، سیاوش ۱۳۸۸. بررسی تطبیقی منزلت زن در الهیات فمینیستی و اسلام، مقالات برگزیده دومین همایش جهانی زنان، معاونت فرهنگی نهاد رهبری.
- ◀ دورانت، ویل ۱۳۸۰. تاریخ تمدن، ترجمه ابوالقاسم طاهری و احمد آرام، اقبال.
- ◀ راسل، برتراند ۱۳۵۴. زناشویی و اخلاق، ترجمه مهدی افشار، تهران، کاویان.
- ◀ سخایی، سیده مژگان ۱۳۸۸. فمینیسم، شکست افسانه آزادی زنان، ج اول، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، تهران.
- ◀ _____ ۱۳۸۸. «فروپاشی فمینیسم»، مقالات برگزیده دومین همایش جهانی زنان، معاونت فرهنگی مقام معظم رهبری، تهران.
- ◀ طاهرخانی، مهدی ۱۳۸۳. اثرات جهانی شدن بر زنان (فرصت‌ها و تهدیدها) با تأکید بر تجربیات جهانی، مجموعه مقالات همایش سراسری زنان، ج اول (جهانی سازی)، پژوهشگاه فرهنگ و معارف، تهران، ۱۳۸۳.
- Alcoff, Linda 1988, *Cultural Feminism Versus Post Structuralism* : The Identity Crisis in Feminist Theory ,The University of Chicago Press
- Fiorenza-Schussler 1996, *Feminist Biblical Interpretation in Christian*

Feminism, E&M Copeland.

➤ Fiorenza, Feminist Biblical Interpretation in Christian Feminism, Pp. 50-53 ;also cf. Lee D.A, Touching THE Sacred Text ;Fiorenza, Transforming the Legacy of the Wemon's Bible.

➤ _____ 1993. *Transforming the Legacy of The Wemon's Bible*

➤ Graves, Robert and Raphael Patai 1964, *The Book of Genesis* ,New York: Doubleday.

➤ Lee, D.A, *Touching The Sacred Text : The Bible as Icon in Feminist*

➤ reading 1986, *Pacifia Theological Studies Association*

➤ Fox- Genovese 1965. *Elizabeth, feminism is not the story of my life*, Double day Printed

➤ Hauptman, Judith 2001. "*Women*": *Torah and Commentary*, Ed. David, L.Lieber, the Jewish Publication Society

➤ Kassian, Mary 2005. *The Feminist Mistake: The Radical Impact Of Feminism on Church and Culture*, Cross way Books, USA

➤ L. Lukas, Carrie 2005. *The Politically Incorrect Guide to Women Sex and Feminism*, RegNery Publishing, Washington, Dc

➤ Nadell, Pamela 1998. *Women Who Would Be Rabbis: A History of Women's Ordination*, editor, Jewish Women's Life, Beacon Press

- Telushkin, Joseph 1997. *Biblical Literacy: The Most Important People, Events, and Ideas of the Hebrew Bible*, New York, William Morrow and Company
- Wandy ,Shalit 2000. *A Return TO MOdesty* : Discovering the Lost Virtue, USA
- nobeliefs.com/DarkBible/darkbible7.htm
- www.henrymakow.co